



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۵۵	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۱ / ۱۵
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	احکام فقهی بسمله				
عنوان ۴	دلیل وجوب قرائت بسمله با هر سوره در فریضه				
عنوان ۵	بررسی روایات معارض و طریق جمع آنها				
عنوان ۶	روش های معمول جمع و نقد آنها				
عنوان ۷	ارائه شاهدهای جمع: روایت علی بن یقطین				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما در احکام فقهی «بسمله» بود. بحث اول را انجام دادیم که وجوب قرائت «بسم الله الرحمن الرحیم» همراه با سوره حمد بود. بحث کنونی ما، ادامه مبحثی است که از جلسه گذشته آغاز کردیم؛ یعنی وجوب قرائت «بسمله» با هر سوره در نماز فریضه. البته در نماز نافله نیز چنین است؛ لکن در سوره حمد، آن را شرط دانستیم، نه در سوره. پیش تر گفتیم که حتی در نوافل هم باید «بسمله» را خواند؛ اما درباره خود سوره، مطلبی بیان نکردیم و وجوب «بسمله» را تنها در نمازهای فریضه مورد بحث قرار می دهیم: وجوب «بسمله» با هر سوره در نماز فریضه.

دلیل وجوب قرائت بسمله با هر سوره در فریضه

در جلسه پیشین بیان داشتیم که نخستین دلیل ما آن بود که «البسملة جزء من کل سورة» (بسمله جزئی از هر سوره است)، علاوه بر اینکه «تجب قراءة سورة كاملة في كل فريضة» (قرائت سوره ای کامل در هر نماز فریضه)، همچون دو رکعت اولین از هر فریضه، واجب است. ترکیب این دو، به این نتیجه می رسد که در دو رکعت نخست نماز فریضه، قرائت «بسمله» همراه با سوره، واجب است؛ اما علاوه بر آن، به دو روایت اشاره کردیم که هر دو، صحیح السند بودند: یکی صحیح منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام که فرمود: «لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلِّ مِنْ سُورَةٍ وَلَا بِأَكْثَرٍ^۱». یعنی سوره بدون «بسمله» را نمی توان خواند؛ زیرا «بسمله جزء من السورة».

۱. الکافی؛ کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ۱۲.

دیگری صحیحهُ محمد بن مسلم از «أحدهما» بود که قال: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ السُّورَتَيْنِ فِي الرَّكْعَةِ؟» (از ایشان سؤال کردم درباره مردی که دو سوره در یک رکعت می خواند؟) که البته باز هم مرادش فریضه است. فرمود: «لِكُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةٌ»^۱. از این عبارت «لِكُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةٌ» می فهمیم که «لكل ركعة سورة كاملة». این عبارت چنین ظهوری دارد؛ پس باید برای هر رکعت، سوره ای همراه با «بسمله اش» قرائت شود.

البته در نسخه ای دیگر از این روایت، به صورت «لَا، لِكُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةٌ»^۲ آمده است. علاوه بر اینکه به نظر می رسد این نسخه، تحریف شده و صحیح آن همان «لِكُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةٌ» باشد؛ بر فرض پذیرش نسخه بدل نیز همان معنا را می رساند؛ یعنی «لِكُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةٌ» به این معناست که هر سوره را برای یک رکعت بخوان؛ به عبارت دیگر، هر سوره کامله را برای یک رکعت قرائت کن.

بررسی روایات معارض و طریق جمع آنها

آنچه تاکنون بیان شد، وجوب «بسمله» را در هر سوره ای در دو رکعت نخست نماز فریضه ثابت می کند. اما روایاتی که مطالعه کردیم، دارای تعارض هستند؛ بنابراین باید دید با این روایات معارض چه باید کرد و راه جمع بین آنها چیست؟ این روایات را بررسی می کنیم:

❖ مرسله ابان بن عثمان:

«عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ تُقْسَمُ السُّورَةُ فِي رَكْعَتَيْنِ؟»

یعنی آیا می توانم یک سوره را در دو رکعت بخوانم و نیمی از آن را در یک رکعت و نیمه دیگرش را در رکعت دوم؟ فرمود:

«نَعَمْ أَقْسَمُهَا كَيْفَ شِئْتَ»^۳؛

این روایت، صریح در این است که می توان سوره را بخش بخش کرد و لازم نیست در هر رکعت، یک سوره کامله خواند. اگر این را بپذیریم، معنایش آن است که می توان بخشی از سوره را بدون «بسمله» نیز خواند؛ پس وجوب «بسمله» در هر رکعت و با هر سوره، ثابت نخواهد شد؛ بلکه خلاف آن به اثبات می رسد.

❖ روایت سعد بن سعد اشعری: از امام ابی الحسن الرضا عليه السلام که فرمود:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ قَرَأَ فِي رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَنَصَفَ سُورَةَ هَلْ يُجْزِيهِ فِي الثَّانِيَةِ أَنْ لَا يَقْرَأَ الْحَمْدَ وَيَقْرَأَ مَا بَقِيَ مِنَ السُّورَةِ؟»

از ایشان سؤال کردم درباره مردی که در رکعت اول، حمد و نیمی از سوره را خوانده است؛ آیا در رکعت دوم کفایت می کند که حمد نخواند و باقیمانده سوره را بخواند؟

حضرت فرمود:

۱. الاستبصار؛ ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب القراءة فی الصلاة، ب ۴، ح ۳.

۳. تهذیب الأحکام؛ ج ۲، ص ۷۳.

«يَقْرَأُ الْحَمْدَ ثُمَّ يَقْرَأُ مَا بَقِيَ مِنَ السُّورَةِ»؛

از این روایت نیز استفاده می شود که «تبعیض السورة فی کل رکعة» (تقسیم سوره در هر رکعت)، جایز است. و اگر تبعیض سوره جایز بود، معلوم می شود که می توان سوره را بدون «بسمله» نیز قرائت کرد.

پرسشگر: یعنی به نحو شرطیت است؟

معظم له: در نافله پیش تر بیان شد که اصلاً سوره واجب نیست. آنچه وجوب شرطی دارد، حمد و «بسمله» آن است.

❖ صحیح زرارہ: قال:

«قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ قَرَأَ سُورَةً فِي رَكْعَةٍ فَغَلَطَ أَيْدِعُ الْمَكَانَ الَّذِي غَلَطَ فِيهِ وَيَمْضِي فِي قِرَائَتِهِ أَوْ يَدْعُ تِلْكَ السُّورَةَ وَ يَتَحَوَّلُ مِنْهَا إِلَى غَيْرِهَا؟ فَقَالَ: كُلُّ ذَلِكَ لَا بَأْسَ بِهِ، وَإِنْ قَرَأَ آيَةً وَاحِدَةً فَشَاءَ أَنْ يَرْكَعَ بِهَا رَكْعَةً»؛^۱

به امام باقر عليه السلام: مردی در یک رکعت سوره ای را خواند، پس غلط خواند. آیا جایی که غلط خوانده را رها کند و به قرائت خود ادامه دهد؟ یا آن سوره را رها کند و به سوره دیگری پردازد؟ فرمود: همه اینها اشکالی ندارد. می تواند همان سوره را پس از تصحیحش ادامه دهد یا سوره دیگری را انتخاب کند. و اگر یک آیه هم بخواند و سپس اراده کند که با آن به رکوع رود، رکوع کند.

این روایت با روایات پیشین، تعارض دارد و علاوه بر آن، با روایات دیگری نیز معارض است که به صراحت می گویند: «لا يجوز فی الفريضة قراءة السورتين» و جمع میان دو سوره را در فريضة، جایز نمی دانند. از این رو، اگر بخواهیم این روایت را بر فريضة حمل کنیم، با هر دو دسته، تعارض خواهد داشت. اکنون تکلیف چیست؟

روش های معمول جمع و نقد آنها

معمولاً فقهای ما برای جمع میان این دو دسته از روایات، که از دو طریق انتخاب شده اند و مرحوم صاحب «وسائل» نیز به آن اشاره می کند، این راه را در پیش گرفته اند که یا باید این روایات را حمل بر تقيه کرد؛ زیرا در فقه اهل سنت، قرائت بخشی از سوره را جایز می دانند؛ یا باید آنها را بر نوافل حمل نمود و قائل شد که مراد از آنها، نماز نافله است. اشکال حمل بر نوافل، «تبرعی» بودن این جمع است؛ چرا که جمعی بر اساس معیار نیست. اگر بخواهیم حمل بر تقيه نیز بکنیم، حمل بر تقيه مربوط به جایی است که در فقه اهل سنت، مذهبی قائل به وجوب سوره کامله وجود نداشته باشد. اکنون باید دید چه باید کرد.

ارائه شاهد های جمع: روایت علی بن یقطین

از طرفی، روایت دیگری در اختیار داریم که آن را شاهد جمع میان این دو دسته از روایات می دانند. این روایت صحیحۃ السند چنین می فرماید:

مرحوم شیخ یاسناده عن أحمد بن محمد عن الحسن بن علی بن یقطین الحسين عن أخيه الحسين عن علی بن یقطین فی حدیث قال:

۱. همان؛ ص ۲۹۶.

۲. همان؛ ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ تَبْعِيضِ السُّورَةِ؟ قَالَ: أَكْرَهُ [ذَلِكَ] وَلَا بَأْسَ بِهِ فِي النَّافِلَةِ»؛

این روایت، صریح است در اینکه این کار در نافله جایز است و در فریضه، جواز ندارد. این روایت را می توان شاهدی برای جمع تلقی کرد و گفت جمعی که به نظر ما «تبرعی» بود، دیگر تبرعی نیست؛ زیرا می فرماید: «أَكْرَهُ [ذَلِكَ] وَلَا بَأْسَ بِهِ فِي النَّافِلَةِ». در خصوص نافله می فرماید تبعیض در سوره اشکال ندارد، ولی در غیر نافله، «أکره» و کراهت، ظهور در تحریم دارد؛ مخصوصاً وقتی «أکره ذلک» را همراه با «لا بأس به» به کار ببریم، صراحت بیشتری می یابد؛ یعنی در جایی که «لا بأس به» در مقابل «أکره» نیاید، شاید بتوان «أکره» را بر نهی تنزیهی حمل کرد؛ اما اگر در مقابل «لا بأس» بیاید («أکره ذلک ولا بأس به») دیگر نمی توان «أکره» را بر کراهت یا نهی تنزیهی حمل کرد.

بنابراین، اگر به این روایت عمل کنیم، می تواند شاهدی بر جمع باشد که روایاتی که دلالت بر جواز تبعیض سوره دارند، مخصوص نوافل هستند و در مکتوبه (نماز واجب) و فریضه، تبعیض جایز نیست. بر این اساس، نتیجه می گیریم که در هر فریضه ای، سوره کامله همراه با «بسمله»، واجب است؛ ولی در نوافل، سوره کامله واجب نیست و بنابراین، «بسمله» نیز واجب نیست؛ بلکه ترک کل سوره در نوافل نیز جایز است.

این یک وجه جمع است که شاید وجه ارجح باشد؛ بدین معنا که این روایت را شاهد بگیریم بر اینکه روایاتی که ظهور در جواز تبعیض در سوره دارند، ناظر به جواز تبعیض در سوره در غیر مکتوبه و غیر فریضه هستند؛ و روایاتی که ظهور در عدم جواز تبعیض دارند، مرادشان خصوص فریضه است. خصوصاً با توجه به اینکه روایات دال بر جواز تبعیض، صراحت در جواز تبعیض در فریضه نداشتند؛ بلکه مطلق هستند؛ ولی روایت منصور بن حازم که نهی از تبعیض دارد، صریح در مکتوبه است. این روایت می فرمود: «لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلِّ مِنْ سُورَةٍ وَلَا بِأَكْثَرٍ» که صریح در مکتوبه است؛ اما روایات دیگر، صراحتی در مکتوبه ندارند.

نتیجه گیری نهایی

بنابراین می توان چنین جمع بندی کرد و گفت که در اینجا ظهور آن روایات، بر نص این روایت حمل می شود؛ و از طرفی نیز شاهد این جمع را روایت علی بن یقطین می دانیم. لذا حاصل سخن ما این است که مراد از روایات دال بر جواز تبعیض در سوره، باید نوافل باشد (یعنی در نوافل، تبعیض در سوره جایز است، نه در مکتوبه). چرا که در مکتوبه، صحیحه منصور بن حازم: «لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلِّ مِنْ سُورَةٍ وَلَا بِأَكْثَرٍ» صریح در منع است. افزون بر نص بودن روایت منصور بن حازم - که به دلیل نص بودنش و ظاهر بودن روایات دیگر، بر روایات دال بر جواز تبعیض، مقدم می شود؛ لذا ظاهر آنها را بر این نص حمل می کنیم - روایت علی بن یقطین نیز این جمع را تأیید می کند و نتیجه می گیریم که تبعیض سوره در فریضه جایز نیست و «تجب البسملة مع السورة».

بحث دوم ما درباره «بسمله»، این بود که نتیجه گرفتیم: «تجب البسملة مع كل سورة في الفريضة ولا تجب في النافلة»؛ زیرا در نافله، اصلاً تبعیض در سوره جایز است و می توان بخشی از سوره را قرائت کرد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ